تکبر از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیه السلام

معصومه محمد صادقی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی ، دانشگاه معارف آزاد واحد شمال تهران ، آموزش و پرورش منطقه یک تهران ، دبیرستان م
دوم شاهد خدیجه کبری سلام‌الله علیها

MDOI-02-2026.0506
MNR-527-2-44FB0B

چکیده

تکبر از مهم‌ترین رذایل اخلاقی است که در آموزه‌های اسلامی به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته و می‌تواند آثار فردی، معنوی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تکبر از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) و با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تکبر در نگاه قرآن و روایات، نوعی خودبرتربینی و فاصله گرفتن از جایگاه واقعی انسان است که می‌تواند مانع پذیرش حق و موجب تحقیر دیگران شود. نمونه‌هایی مانند تکبر ابلیس، فرعون و قارون نشان‌دهنده پیامدهای منفی این صفت هستند. همچنین بررسی آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که عواملی مانند خودشناسی، شکرگزاری، پذیرش حق، توجه به خداوند، احترام به دیگران و تقویت تواضع می‌توانند در مقابله با تکبر مؤثر باشند. بر این اساس، مبارزه با تکبر نه‌تنها موجب رشد اخلاقی و معنوی فرد می‌شود، بلکه می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و تقویت کرامت انسانی کمک کند.

کلمات کلیدی: تکبر، قرآن کریم، روایات معصومین، اخلاق اسلامی، تواضع، خودبرتربینی، تهذیب نفس

مقدمه

تکبر یکی از مهم‌ترین رذایل اخلاقی است که در آموزه‌های اسلامی به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته و از عوامل مهم انحراف انسان از مسیر رشد و کمال معنوی به شمار می‌آید. در نگاه قرآن کریم، ارزش واقعی انسان به مال، مقام، قدرت، دانش و موقعیت اجتماعی او نیست، بلکه معیار برتری انسان، تقوا و پایبندی به ارزش‌های الهی است. تکبر هنگامی شکل می‌گیرد که انسان برای خود برتری غیرواقعی قائل شود و دیگران را کوچک و کم‌ارزش ببیند. چنین نگرشی علاوه بر اینکه رابطه انسان با خداوند را تحت تأثیر قرار می‌دهد، روابط اجتماعی و اخلاقی او را نیز دچار آسیب می‌کند. قرآن کریم در آیات مختلف، تکبر را از صفات ناپسند دانسته و سرگذشت افرادی را بیان کرده است که به دلیل خودبزرگ‌بینی و سرپیچی از فرمان الهی، گرفتار عاقبت سختی شده‌اند. داستان ابلیس نمونه‌ای روشن از پیامدهای تکبر است؛ زیرا او در برابر فرمان خداوند به دلیل برتر دانستن خود از آدم، از سجده سر باز زد و همین خودبزرگ‌بینی زمینه سقوط او را فراهم کرد (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۴).

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که تکبر تنها به رفتار ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه ریشه آن در نوع نگرش و باور انسان نسبت به خویشتن و دیگران قرار دارد. فرد متکبر ممکن است به دلیل ثروت، علم، قدرت، نسب، جایگاه اجتماعی یا حتی عبادت و موقعیت دینی، خود را برتر از دیگران تصور کند. قرآن کریم انسان را از چنین نگرشی برحذر داشته و تأکید می‌کند که خداوند متکبران را دوست ندارد (قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۲۳). همچنین در آیات متعددی، راه رفتن با غرور و خودپسندی، تحقیر دیگران و برخورد از روی خودبزرگ‌بینی مورد نکوهش قرار گرفته است. از این منظر، تکبر علاوه بر اینکه یک بیماری اخلاقی فردی است، می‌تواند پیامدهای اجتماعی نیز داشته باشد؛ زیرا شخص متکبر در تعامل با دیگران به جای احترام، فروتنی و همکاری، به تحقیر، فاصله‌گیری و سلطه‌جویی گرایش پیدا می‌کند.

در روایات معصومین(ع) نیز تکبر از جمله صفاتی معرفی شده است که مانع رشد معنوی و اخلاقی انسان می‌شود. پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در سخنان خود، انسان را به تواضع، رعایت حقوق دیگران و پرهیز از خودبرتربینی دعوت کرده‌اند. در روایات، تکبر با محرومیت از فضایل اخلاقی و دور شدن از مسیر بندگی خداوند ارتباط داده شده است. امام علی(ع) نیز در سخنان خود، تکبر را یکی از عوامل سقوط انسان و زمینه‌ساز دشمنی و جدایی میان افراد معرفی کرده است. از دیدگاه آن حضرت، انسان باید همواره به محدودیت‌های وجودی خود توجه داشته باشد و بداند که قدرت، علم و امکانات او در برابر قدرت و عظمت خداوند بسیار محدود است. بنابراین، تواضع در فرهنگ اسلامی به معنای نادیده گرفتن توانایی‌های انسان نیست، بلکه به معنای شناخت درست جایگاه خویش و پرهیز از تحقیر دیگران است.

از این رو، بررسی تکبر از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین(ع) می‌تواند در شناخت ریشه‌ها، نشانه‌ها و پیامدهای این صفت اخلاقی و همچنین راه‌های مقابله با آن نقش مهمی داشته باشد. توجه به این موضوع نشان می‌دهد که اسلام برای اصلاح رفتار فردی و اجتماعی، تنها به بیان احکام ظاهری اکتفا نکرده، بلکه به اصلاح نگرش‌ها و ویژگی‌های درونی انسان نیز توجه ویژه‌ای داشته است. بر همین اساس، مقاله حاضر با هدف بررسی مفهوم تکبر، عوامل پیدایش آن، آثار فردی و اجتماعی، نمونه‌های تکبر در قرآن کریم و روایات معصومین(ع) و راهکارهای مقابله با این صفت، به تحلیل آموزه‌های اسلامی در این زمینه می‌پردازد.

بیان مسئله

تکبر از جمله صفات اخلاقی ناپسندی است که در آموزه‌های قرآن کریم و سخنان معصومین(ع) جایگاه ویژه‌ای در مباحث اخلاقی دارد. مسئله تکبر تنها به نوعی رفتار ظاهری مانند خودبزرگ‌بینی یا تحقیر دیگران محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در نگرش انسان نسبت به خود، دیگران و جایگاه خویش در برابر خداوند دارد. هنگامی که فرد توانایی، ثروت، دانش، قدرت، نسب یا موقعیت اجتماعی خود را وسیله‌ای برای برتری بر دیگران قرار می‌دهد، زمینه شکل‌گیری تکبر فراهم می‌شود. قرآن کریم انسان را از راه رفتن با حالت غرور و خودپسندی برحذر داشته و می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّکَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا»؛ یعنی انسان نباید با سرمستی و خودبزرگ‌بینی در زمین حرکت کند، زیرا توانایی‌های او در برابر عظمت آفرینش محدود است (قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۳۷).

اهمیت مسئله زمانی بیشتر آشکار می‌شود که تکبر را به عنوان عاملی برای فاصله گرفتن انسان از بندگی خداوند مورد توجه قرار دهیم. قرآن کریم در موارد متعددی تکبر را در برابر پذیرش حق قرار داده است. نمونه برجسته آن داستان ابلیس است که هنگامی که مأمور به سجده در برابر آدم شد، به دلیل خودبرتربینی از فرمان الهی سرپیچی کرد و گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ»؛ یعنی «من از او بهترم» (قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۲). این آیه نشان می‌دهد که تکبر می‌تواند انسان را از پذیرش حقیقت بازدارد و حتی موجب شود فرد در برابر فرمان الهی موضع نادرست اتخاذ کند. از همین منظر، تکبر را می‌توان نوعی اختلال در شناخت جایگاه واقعی انسان دانست؛ زیرا فرد متکبر به جای مشاهده وابستگی خود به خداوند و نیازمندی به دیگران، بر ویژگی‌های محدود و موقت خود تکیه می‌کند.

در آموزه‌های اسلامی، تکبر همچنین با روابط انسان با دیگران ارتباط مستقیمی دارد. فرد متکبر معمولاً برای خود امتیازی ویژه قائل می‌شود و در نتیجه ممکن است ارزش، شخصیت و حقوق دیگران را نادیده بگیرد. چنین وضعیتی می‌تواند به شکل‌گیری تحقیر، تبعیض، ناسازگاری، خودمحوری و کاهش همبستگی اجتماعی منجر شود. قرآن کریم در سوره لقمان، انسان را از روی گرداندن از مردم و راه رفتن با غرور نهی می‌کند و بر میانه‌روی در رفتار تأکید دارد (قرآن کریم، سوره لقمان، آیات ۱۸ و ۱۹). از این رو، مسئله تکبر را نمی‌توان صرفاً یک مسئله شخصی و اخلاقی دانست؛ بلکه آثار آن می‌تواند روابط خانوادگی، اجتماعی و حتی مناسبات میان گروه‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

روایات معصومین(ع) نیز ابعاد مختلف این مسئله را روشن کرده‌اند. در احادیث، تکبر از صفاتی معرفی شده که می‌تواند انسان را از دستیابی به فضایل اخلاقی و رشد معنوی بازدارد. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، ضمن توجه دادن انسان به خطر خودبزرگ‌بینی، تکبر را از ویژگی‌هایی می‌داند که انسان را از شناخت حقیقت و پذیرش جایگاه واقعی خود دور می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲). همچنین در روایات امام صادق(ع)، تکبر با نوعی برتری‌جویی نسبت به دیگران و کوچک شمردن آنان ارتباط داده شده است. بنابراین، درک صحیح مفهوم تکبر نیازمند توجه هم‌زمان به بُعد درونی آن، یعنی خودبرتربینی، و بُعد بیرونی آن، یعنی رفتار تحقیرآمیز نسبت به دیگران است.

از سوی دیگر، پژوهش‌های اخلاقی معاصر نیز بر اهمیت بررسی سازوکارهای روان‌شناختی و اجتماعی خودبزرگ‌بینی تأکید دارند. در ادبیات روان‌شناسی، تمایز میان احساس ارزشمندی سالم و خودبزرگ‌بینی اهمیت زیادی دارد و برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شکل‌های ناسالم خودشیفتگی و برتری‌جویی می‌توانند با مشکلات بین‌فردی و کاهش کیفیت روابط اجتماعی همراه باشند .(Campbell & Miller, 2011) همچنین بررسی‌های جدیدتر نشان می‌دهد که خودبزرگ‌بینی می‌تواند در برخی شرایط با حساسیت نسبت به تهدیدهای مربوط به عزت‌نفس و واکنش‌های منفی در روابط اجتماعی همراه شود.(Krizan & Herlache, 2018)

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تکبر در نظام اخلاقی اسلام دقیقاً چه مفهومی دارد و قرآن کریم و روایات معصومین(ع) چه تصویری از ریشه‌ها، نشانه‌ها، پیامدها و راه‌های مقابله با آن ارائه می‌کنند؟ همچنین این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان میان اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس مطلوب از یک سو و تکبر و خودبرتربینی از سوی دیگر تفاوت قائل شد. پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند به شناخت عمیق‌تر جایگاه تواضع در اخلاق اسلامی و نقش آن در اصلاح رفتار فردی و اجتماعی کمک کند. بر همین اساس، بررسی منسجم آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) درباره تکبر می‌تواند زمینه‌ای برای فهم دقیق‌تر این صفت اخلاقی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و درمان آن فراهم سازد.

پیشینه پژوهش

موضوع تکبر در منابع اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد و از دیرباز در آثار اخلاقی، تفسیری و روایی مورد توجه قرار گرفته است. در منابع اخلاق اسلامی، تکبر معمولاً در ارتباط با مفاهیمی مانند عُجب، غرور، خودپسندی و تواضع بررسی شده و نویسندگان تلاش کرده‌اند ریشه‌های درونی و آثار رفتاری آن را تبیین کنند. در این دیدگاه، تکبر زمانی شکل می‌گیرد که انسان برای خود امتیازی نسبت به دیگران قائل شود و این احساس برتری را در رفتار خود نیز آشکار سازد. غزالی در بررسی بیماری‌های اخلاقی، تکبر را از موانع مهم تهذیب نفس می‌داند و معتقد است انسان متکبر به دلیل تصور برتری، از پذیرش حق و برخورد متواضعانه با دیگران فاصله می‌گیرد (غزالی، ۱۳۸۶).

در مطالعات فارسی، پژوهش‌های مرتبط با اخلاق اسلامی نشان داده‌اند که تکبر از منظر قرآن کریم تنها یک ویژگی فردی نیست، بلکه با نحوه ارتباط انسان با خداوند و سایر انسان‌ها ارتباط دارد. در تحلیل آیات قرآن، نمونه‌هایی همچون تکبر ابلیس، فرعون و گروه‌هایی که در برابر پیامبران الهی مقاومت کردند، نشان می‌دهد که خودبرتربینی می‌تواند زمینه‌ساز انکار حقیقت و سرپیچی از حق شود. علامه طباطبایی در تفسیر آیات مربوط به تکبر، این صفت را با نوعی خودبینی و قرار دادن خویشتن در جایگاهی فراتر از واقعیت مرتبط می‌داند و تأکید می‌کند که چنین نگرشی انسان را از پذیرش حق و تسلیم در برابر حقیقت دور می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴).

در حوزه روایات نیز موضوع تکبر در مجموعه‌های حدیثی و آثار اخلاقی به شکل گسترده‌ای مطرح شده است. روایات پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در موارد مختلف، انسان را از خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران نهی کرده و تواضع را یکی از نشانه‌های رشد اخلاقی معرفی کرده‌اند. در نهج‌البلاغه، امام علی(ع) ضمن بیان آثار منفی تکبر، به سرگذشت ابلیس و چگونگی تبدیل خودبرتربینی او به عامل سقوط اشاره می‌کند و این مسئله را هشداری برای انسان می‌داند که مبادا ویژگی‌ها و امتیازات ظاهری موجب غرور و برتری‌جویی او شود (شریف رضی، ۱۳۷۹).

در برخی پژوهش‌های فارسی، رابطه میان تکبر و سایر فضایل و رذایل اخلاقی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعات، تواضع به عنوان نقطه مقابل تکبر معرفی شده و بر نقش خودشناسی، توجه به محدودیت‌های انسان، یاد خداوند و رعایت حقوق دیگران در کاهش خودبرتربینی تأکید شده است. برای نمونه، در آثار اخلاقی معاصر، تهذیب نفس و اصلاح نگرش انسان نسبت به خود و دیگران از مهم‌ترین زمینه‌های پیشگیری از تکبر دانسته شده است. این رویکرد نشان می‌دهد که مقابله با تکبر تنها از طریق توصیه‌های رفتاری امکان‌پذیر نیست و نیازمند اصلاح نگرش و تقویت فضایل اخلاقی در شخصیت فرد است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸).

در پژوهش‌های انگلیسی‌زبان، مفهوم تکبر و خودبزرگ‌بینی بیشتر در حوزه روان‌شناسی شخصیت و روابط اجتماعی بررسی شده است. پژوهشگران میان عزت‌نفس سالم و شکل‌های ناسالم خودبزرگ‌بینی تمایز قائل شده‌اند و نشان داده‌اند که احساس ارزشمندی مثبت لزوماً به معنای برتری‌جویی

نسبت به دیگران نیست. در مقابل، برخی شکل‌های خودشیفتگی با احساس استحقاق، نیاز به تأیید و حساسیت نسبت به ارزیابی دیگران همراه است.(Campbell & Miller, 2011)

در همین زمینه، پژوهش Krizan و Herlache مفهوم خودشیفتگی را به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های مرتبط با خودبزرگ‌بینی، احساس استحقاق و نیاز به برجسته بودن بررسی کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که خودبزرگ‌بینی می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم در ساختار خودشیفتگی باشد، هرچند این مفهوم با تمامی ابعاد تکبر اخلاقی در آموزه‌های دینی یکسان نیست .(Krizan & Herlache, 2018) بنابراین، یافته‌های روان‌شناختی معاصر می‌توانند برای شناخت برخی ابعاد رفتاری و بین‌فردی تکبر مفید باشند، اما برای تبیین کامل مفهوم تکبر در اندیشه اسلامی باید به منابع قرآنی و روایی نیز توجه شود.

همچنین پژوهش‌های جدید در زمینه خودشیفتگی و روابط بین‌فردی بر این نکته تأکید دارند که ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه می‌توانند بر کیفیت تعامل فرد با دیگران اثر بگذارند. این مطالعات نشان داده‌اند که خودمحوری و احساس برتری ممکن است با مشکلاتی در همدلی، همکاری و حفظ روابط پایدار همراه باشد .(Morf & Rhodewalt, 2001) این یافته‌ها از این جهت با آموزه‌های اخلاق اسلامی قابل مقایسه هستند که در منابع اسلامی نیز تکبر عاملی برای فاصله گرفتن از دیگران، تحقیر آنان و تضعیف روابط انسانی معرفی شده است.

با وجود گستردگی مطالعات انجام‌شده، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود یا از منظر اخلاق و تفسیر اسلامی به بررسی تکبر پرداخته‌اند یا آن را از دیدگاه روان‌شناسی و شخصیت مطالعه کرده‌اند. از این رو، بررسی هم‌زمان مفهوم تکبر در آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، همراه با توجه به ابعاد فردی، معنوی و اجتماعی آن، می‌تواند به ارائه تصویری جامع‌تر از این صفت اخلاقی کمک کند. پژوهش حاضر با تکیه بر این رویکرد، تلاش می‌کند ضمن بررسی مفهوم و مصادیق تکبر در قرآن کریم، دیدگاه معصومین(ع) درباره ریشه‌ها، آثار و پیامدهای آن را تحلیل کرده و راهکارهای مطرح‌شده در منابع اسلامی برای مقابله با این صفت را مورد توجه قرار دهد.

تعریف و اهمیت موضوع

تکبر در لغت به معنای خود را بزرگ شمردن، بزرگ‌نمایی کردن و برتر دانستن خویش نسبت به دیگران است و در اصطلاح اخلاقی، حالتی درونی است که انسان به سبب آن خود را از دیگران برتر می‌پندارد و این احساس برتری را در رفتار و گفتار خود آشکار می‌کند. در این حالت، فرد نه‌تنها برای خود جایگاهی فراتر از واقعیت در نظر می‌گیرد، بلکه ممکن است ارزش و شخصیت دیگران را نیز کوچک بشمارد. در منابع اخلاق اسلامی، تکبر از رذایل مهم اخلاقی معرفی شده و در کنار صفاتی مانند عُجب و غرور مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت تکبر با اعتمادبه‌نفس نیز در همین نکته است؛ اعتمادبه‌نفس به معنای شناخت توانایی‌های واقعی خود است، در حالی که تکبر با احساس برتری نسبت به دیگران و کوچک شمردن آنان همراه می‌شود (نراقی، ۱۳۸۸).

در قرآن کریم، تکبر با مفاهیمی مانند استکبار، برتری‌جویی و امتناع از پذیرش حق ارتباط دارد. یکی از روشن‌ترین نمونه‌های قرآنی، رفتار ابلیس در برابر فرمان خداوند برای سجده بر آدم است. ابلیس با بیان «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ» خود را برتر از آدم دانست و همین تصور برتری موجب نافرمانی او شد (قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۲). این داستان نشان می‌دهد که تکبر می‌تواند از یک تصور نادرست درباره ارزش و جایگاه خویش آغاز شود و در نهایت انسان را به مقابله با حقیقت و نافرمانی از فرمان الهی بکشاند. علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیات، استکبار را نوعی خودبرتربینی می‌داند که مانع پذیرش حق و تسلیم در برابر حقیقت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴).

اهمیت موضوع تکبر از دیدگاه اسلامی در این است که این صفت فقط یک ویژگی فردی و روانی نیست، بلکه ابعاد معنوی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. فرد متکبر به دلیل تصور برتری ممکن است از پذیرش نصیحت، اعتراف به اشتباه و قبول حق خودداری کند و در روابط اجتماعی نیز دیگران را تحقیر یا نادیده بگیرد. قرآن کریم در سوره لقمان انسان را از روی‌گردانی از مردم و راه رفتن از روی تکبر و غرور نهی کرده و تواضع و اعتدال در رفتار را مورد تأکید قرار داده است (قرآن کریم، سوره لقمان، آیات ۱۸ و ۱۹). بنابراین، مبارزه با تکبر را می‌توان بخشی از فرایند اصلاح اخلاق فردی و ایجاد روابط سالم اجتماعی دانست.

از نظر تربیتی و اخلاقی نیز توجه به تکبر اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا این صفت می‌تواند مانع رشد شخصیت انسان شود. فردی که خود را کامل و برتر می‌داند، معمولاً نیاز کمتری به یادگیری، پذیرش انتقاد و اصلاح رفتار خود احساس می‌کند. در مقابل، تواضع به معنای شناخت درست جایگاه انسان و پذیرش امکان خطا، زمینه یادگیری و رشد اخلاقی را فراهم می‌سازد. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، تکبر را از ویژگی‌هایی معرفی می‌کند که انسان را از مسیر درست دور می‌سازد و با یادآوری سرگذشت ابلیس، خطر خودبزرگ‌بینی را مورد توجه قرار می‌دهد (شریف رضی، ۱۳۷۹).

اهمیت بررسی تکبر در مطالعات معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است. در روان‌شناسی شخصیت، میان عزت‌نفس سالم و خودبزرگ‌بینی تمایز گذاشته می‌شود و برخی شکل‌های خودشیفتگی با احساس استحقاق، برتری‌جویی و نیاز شدید به تأیید دیگران ارتباط دارند (Campbell & Miller, 2011). همچنین پژوهش‌های مربوط به خودشیفتگی نشان داده‌اند که ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه می‌توانند بر کیفیت روابط بین‌فردی و نحوه تعامل فرد با دیگران تأثیر بگذارند (Krizan & Herlache, 2018). این یافته‌ها از نظر موضوعی با تأکید منابع اسلامی بر آثار اجتماعی تکبر قابل مقایسه‌اند، هرچند مفهوم تکبر در اخلاق اسلامی گسترده‌تر از مفهوم روان‌شناختی خودشیفتگی است.

بر این اساس، اهمیت موضوع تکبر در آموزه‌های اسلامی را می‌توان در سه سطح فردی، معنوی و اجتماعی بررسی کرد. در سطح فردی، تکبر مانعی برای خودشناسی، اصلاح رفتار و رشد اخلاقی است؛ در سطح معنوی، می‌تواند انسان را از پذیرش حق و بندگی خداوند دور کند؛ و در سطح اجتماعی، زمینه‌ساز تحقیر دیگران، کاهش همدلی و ایجاد فاصله میان افراد شود. از این رو، بررسی دقیق مفهوم تکبر در آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) می‌تواند به شناخت بهتر ریشه‌ها و پیامدهای این صفت و همچنین توجه بیشتر به اهمیت تواضع، خودشناسی و رعایت کرامت انسان‌ها کمک کند.

بحث

تکبر در منظومه اخلاق اسلامی یکی از رذایل مهمی است که آثار آن تنها به رفتار فردی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند رابطه انسان با خداوند، خویشتن و دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که تکبر غالباً زمانی شکل می‌گیرد که انسان درباره جایگاه واقعی خود دچار برداشت نادرست شود و داشته‌های مادی یا معنوی خود را نشانه برتری ذاتی بداند. قرآن کریم در برابر چنین نگرشی، انسان را به یادآوری اصل آفرینش، وابستگی به خداوند و محدودیت‌های وجودی خویش دعوت می‌کند. از این منظر، تکبر پیش از آنکه صرفاً یک رفتار بیرونی باشد، یک نگرش درونی است که می‌تواند رفتار انسان را نیز تحت تأثیر قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴).

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های قرآنی در زمینه تکبر، داستان ابلیس است. هنگامی که خداوند به ابلیس فرمان سجده بر آدم را داد، او با استناد به تصور برتری خود از فرمان الهی سرپیچی کرد و گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ»؛ یعنی من از او بهترم (قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۲). اهمیت این داستان در آن است که قرآن ریشه نافرمانی ابلیس را در نوعی مقایسه نادرست و خودبرتربینی نشان می‌دهد. ابلیس به جای توجه به فرمان خداوند، معیار

ارزش‌گذاری را به برداشت شخصی خود وابسته کرد و خود را برتر دانست. بنابراین، می‌توان گفت یکی از خطرناک‌ترین جنبه‌های تکبر آن است که فرد معیار حقیقت را خود قرار می‌دهد و در نتیجه، حتی در برابر امر الهی نیز حاضر به پذیرش حق نمی‌شود.

در قرآن کریم، تکبر در برابر پیامبران نیز یکی از عوامل مهم مخالفت با دعوت الهی معرفی شده است. برخی اقوام هنگامی که پیامبران آنان را به توحید و پذیرش حق دعوت کردند، به دلیل برخورداری از قدرت، ثروت یا موقعیت اجتماعی، خود را بی‌نیاز از پذیرش دعوت الهی دانستند. قرآن کریم درباره فرعون نیز نمونه‌ای از استکبار و برتری‌جویی را بیان می‌کند؛ او با تکیه بر قدرت سیاسی و اجتماعی خود در برابر حضرت موسی(ع) موضع گرفت و مردم را تحت سلطه خود قرار داد (قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۴). این نمونه نشان می‌دهد که تکبر در صورت پیوند با قدرت می‌تواند از یک ویژگی فردی فراتر رفته و به سلطه‌گری و تضییع حقوق دیگران منجر شود.

از سوی دیگر، قرآن کریم تنها به بیان زشتی تکبر اکتفا نکرده، بلکه انسان را به رفتار متواضعانه نیز دعوت کرده است. در سوره فرقان، بندگان شایسته خداوند با ویژگی‌هایی معرفی می‌شوند که یکی از آنها حرکت و رفتار همراه با آرامش و فروتنی است (قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۶۳). همچنین در سوره لقمان، انسان از روی‌گردانی از مردم و راه رفتن با حالت غرور و خودپسندی نهی شده است (قرآن کریم، سوره لقمان، آیه ۱۸). در نتیجه، تواضع در فرهنگ قرآنی به معنای ضعف یا نادیده گرفتن توانایی‌های فرد نیست، بلکه نوعی رفتار متعادل بر پایه شناخت صحیح جایگاه خود و احترام به دیگران است.

در روایات معصومین(ع) نیز تکبر به عنوان مانعی جدی در مسیر رشد اخلاقی انسان معرفی شده است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، ضمن اشاره به سرگذشت ابلیس، انسان را از گرفتار شدن در دام تکبر برحذر می‌دارد و نشان می‌دهد که چگونه خودبرتربینی می‌تواند انسان را از مسیر بندگی خارج کند (شریف رضی، ۱۳۷۹). همچنین در آموزه‌های اخلاقی امامان معصوم(ع)، تواضع نه تنها در برابر خداوند، بلکه در برخورد با مردم نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین، فرد متواضع کسی است که ارزش خود را می‌شناسد، اما این شناخت را به وسیله‌ای برای تحقیر دیگران تبدیل نمی‌کند.

یکی از نکات قابل توجه در بررسی تکبر، تفاوت آن با عزت نفس و اعتمادبه‌نفس است. انسان مؤمن از دیدگاه اسلامی موظف نیست توانایی‌ها و استعدادهای خود را انکار کند؛ بلکه باید آنها را نعمت‌هایی از جانب خداوند بداند و از آنها در مسیر درست استفاده کند. تکبر زمانی پدید می‌آید که فرد این توانایی‌ها را دلیل برتری ذاتی خود نسبت به دیگران بداند. در مطالعات روان‌شناختی نیز میان احساس ارزشمندی سالم و خودبزرگ‌بینی تمایز گذاشته شده است. پژوهش‌های مربوط به خودشیفتگی نشان داده‌اند که برخی ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه با احساس استحقاق و برتری نسبت به دیگران همراه هستند، در حالی که عزت‌نفس لزوماً چنین پیامدهایی ندارد.(Campbell & Miller, 2011)

از نظر اجتماعی، تکبر می‌تواند روابط میان افراد را تضعیف کند. فرد متکبر معمولاً پذیرش انتقاد را دشوار می‌یابد و ممکن است دیدگاه دیگران را کم‌ارزش تلقی کند. چنین رفتاری در محیط خانواده، مدرسه، محیط کار و جامعه می‌تواند به کاهش همکاری و افزایش تعارض منجر شود. مطالعات روان‌شناختی درباره خودشیفتگی نیز نشان داده‌اند که ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه می‌توانند با مشکلاتی در روابط بین‌فردی همراه باشند و در برخی شرایط، فرد را نسبت به ارزیابی و واکنش دیگران حساس کنند .(Morf & Rhodewalt, 2001) این مسئله از جهت اخلاقی با تأکید آموزه‌های اسلامی بر رعایت کرامت دیگران و پرهیز از تحقیر آنان همخوانی دارد.

یکی دیگر از ابعاد مهم تکبر، ارتباط آن با علم و دانش است. گاهی انسان به دلیل برخورداری از دانش، تخصص یا موقعیت علمی، خود را برتر از دیگران تصور می‌کند. در حالی که از دیدگاه اخلاق اسلامی، علم زمانی ارزشمند است که موجب شناخت بهتر حقیقت و افزایش فروتنی انسان

شود. هرچه آگاهی انسان از گستردگی جهان و محدودیت دانش خویش بیشتر شود، زمینه بیشتری برای دوری از خودبزرگ‌بینی فراهم می‌شود. از این رو، علم واقعی نباید به عاملی برای تحقیر افراد کم‌دانش‌تر تبدیل شود، بلکه باید مسئولیت‌پذیری و تواضع را افزایش دهد.

تکبر همچنین می‌تواند با ثروت و قدرت ارتباط پیدا کند. قرآن کریم در بیان سرگذشت قارون نشان می‌دهد که برخورداری از امکانات مالی، در صورتی که با نگرش نادرست همراه شود، می‌تواند زمینه غرور و خودبرتربینی را فراهم کند. قارون به جای آنکه ثروت خود را نعمتی الهی بداند، آن را به توانایی و شایستگی شخصی خود نسبت داد و گرفتار غرور شد (قرآن کریم، سوره قصص، آیات ۷۶ تا ۸۱). این داستان نشان می‌دهد که مسئله اصلی، برخورداری از مال و امکانات نیست، بلکه نوع نگاه انسان به آنهاست. ثروت، علم و قدرت در صورتی که با مسئولیت‌پذیری و شکرگزاری همراه شوند، می‌توانند ابزار رشد باشند؛ اما اگر موجب احساس برتری شوند، زمینه تکبر را ایجاد می‌کنند.

در مجموع، بررسی آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین(ع) نشان می‌دهد که مقابله با تکبر نیازمند اصلاح نگرش انسان نسبت به خویشتن، خداوند و دیگران است. خودشناسی، توجه به وابستگی انسان به خداوند، یادآوری محدودیت‌های مادی و معنوی، پذیرش حق، احترام به دیگران و تمرین تواضع از مهم‌ترین زمینه‌هایی هستند که می‌توانند در کاهش این صفت نقش داشته باشند. در کنار این عوامل، تقویت روحیه شکرگزاری نیز اهمیت دارد؛ زیرا انسان هنگامی که نعمت‌ها و توانایی‌های خود را امانتی الهی بداند، کمتر آنها را وسیله‌ای برای برتری‌جویی قرار می‌دهد. بنابراین، در نگاه اسلامی، مبارزه با تکبر صرفاً حذف یک رفتار ناپسند نیست، بلکه فرایندی برای اصلاح شخصیت انسان و ایجاد تعادل میان عزت نفس، بندگی خداوند و احترام به کرامت دیگران است.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی است و با رویکرد کیفی انجام شده است. هدف اصلی پژوهش، بررسی مفهوم تکبر، ریشه‌ها، نشانه‌ها، آثار و راه‌های مقابله با آن از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) است. در این پژوهش تلاش شده است با مطالعه و تحلیل منابع معتبر اسلامی، تصویری منسجم از جایگاه تکبر در نظام اخلاقی اسلام ارائه شود. انتخاب روش توصیفی ـ تحلیلی با توجه به ماهیت موضوع صورت گرفته است؛ زیرا هدف پژوهش، توصیف و تبیین مفاهیم و آموزه‌های موجود در منابع، بدون دستکاری یا ایجاد شرایط آزمایشی است. در پژوهش‌های کیفی، تحلیل متون و اسناد می‌تواند برای شناسایی مفاهیم، استخراج مضامین و تفسیر ارتباط میان آنها مورد استفاده قرار گیرد.(Creswell & Poth, 2018)

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه قرآن کریم، تفاسیر معتبر، کتب روایی، نهج‌البلاغه، آثار اخلاق اسلامی و همچنین کتاب‌ها و مقالات علمی مرتبط با موضوع تکبر گردآوری شده است. در مرحله نخست، آیات قرآن کریم مرتبط با مفاهیمی مانند تکبر، استکبار، غرور، خودبرتربینی، تواضع و پذیرش حق شناسایی و بررسی شده‌اند. سپس روایات مرتبط با موضوع از منابع حدیثی استخراج و محتوای آنها با توجه به موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش اسنادی، منابع مکتوب می‌توانند به عنوان داده‌های اصلی پژوهش مورد استفاده قرار گیرند و پژوهشگر با بررسی منظم آنها به استخراج و تحلیل اطلاعات مورد نیاز می‌پردازد (کرسول، ۱۳۹۵).

در مرحله تحلیل، داده‌های گردآوری‌شده بر اساس محورهای اصلی پژوهش دسته‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین محورهای مورد توجه شامل تعریف تکبر، ریشه‌های پیدایش تکبر، نمونه‌های تکبر در قرآن کریم، دیدگاه معصومین(ع)، آثار فردی و اجتماعی تکبر، رابطه تکبر با قدرت و ثروت و علم، تفاوت تکبر با عزت نفس و راه‌های مقابله با آن است. در این فرایند، ابتدا مفاهیم مرتبط از متن آیات و روایات استخراج شده و سپس با مقایسه و

تحلیل محتوای آنها، مضامین مشترک و نکات اساسی شناسایی شده‌اند. تحلیل مضمون یکی از روش‌های مناسب برای شناسایی الگوهای معنایی موجود در داده‌های متنی و سازمان‌دهی آنها در قالب مضامین اصلی و فرعی است.(Braun & Clarke, 2006)

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل مجموعه منابع مکتوب و اسناد مرتبط با موضوع تکبر در آموزه‌های اسلامی است. از میان این منابع، آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) به عنوان منابع اصلی و تفاسیر، کتاب‌های اخلاقی و پژوهش‌های علمی مرتبط به عنوان منابع تکمیلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. معیار انتخاب منابع، ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، اعتبار علمی و محتوایی و برخورداری از اطلاعات قابل استفاده برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش بوده است. در بررسی منابع اسلامی نیز تلاش شده است میان متن اصلی آیات و روایات و برداشت‌ها و تحلیل‌های شارحان و پژوهشگران تفاوت گذاشته شود تا نتایج پژوهش بر پایه مستندات اولیه شکل گیرد.

برای افزایش اعتبار یافته‌ها، اطلاعات به‌دست‌آمده از منابع مختلف با یکدیگر مقایسه شده‌اند. به این معنا که مفاهیم استخراج‌شده از آیات قرآن کریم با دیدگاه‌های روایی و تفسیری مقایسه شده و در موارد لازم، نتایج مطالعات علمی معاصر نیز برای روشن‌تر شدن ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی موضوع مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از منابع متعدد و مقایسه داده‌های حاصل از آنها می‌تواند به افزایش اعتبار تحلیل کیفی و کاهش احتمال برداشت یک‌جانبه از داده‌ها کمک کند.(Patton, 2015)

در نهایت، یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده‌اند و تلاش شده است از بیان مطالب صرفاً گردآوری‌شده خودداری شود. به همین دلیل، پس از ارائه هر یک از مفاهیم و شواهد مرتبط با تکبر، ارتباط آن با سایر مفاهیم اخلاقی و آثار احتمالی آن در زندگی فردی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است. این روش به پژوهش امکان می‌دهد که علاوه بر معرفی دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، تصویری منسجم از جایگاه تکبر در اخلاق اسلامی و اهمیت تقویت فضیلت تواضع ارائه کند.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش حاضر با توجه به ماهیت توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد کیفی آن، برگه استخراج اطلاعات و فرم تحلیل محتوای متون است. از آنجا که داده‌های پژوهش از طریق مطالعه و بررسی منابع مکتوب گردآوری شده‌اند، ابزار اصلی پژوهشگر برای ثبت و سازمان‌دهی اطلاعات، فرم ویژه‌ای برای استخراج داده‌ها از آیات قرآن کریم، روایات معصومین(ع)، تفاسیر، کتاب‌های اخلاقی و پژوهش‌های علمی مرتبط بوده است. در این فرم، اطلاعات مربوط به مفهوم تکبر، مصادیق آن، عوامل پیدایش، آثار فردی و اجتماعی، پیامدهای معنوی و راهکارهای مقابله با آن ثبت و دسته‌بندی شده است. استفاده از فرم استخراج اطلاعات موجب می‌شود داده‌های مورد نیاز به صورت منظم ثبت شده و امکان مقایسه و تحلیل آنها فراهم شود (حافظنیا، ۱۳۹۸).

در بخش قرآنی، آیات مرتبط با واژه‌ها و مفاهیمی مانند تکبر، استکبار، غرور، خودبرتربینی، تواضع و پذیرش حق شناسایی و در برگه استخراج اطلاعات ثبت شده‌اند. علاوه بر متن آیه، مشخصات سوره و شماره آیه و مفهوم مرتبط با موضوع نیز یادداشت شده است. در بخش روایی نیز احادیث مربوط به تکبر و تواضع از منابع معتبر روایی استخراج و محتوای آنها بر اساس موضوعات پژوهش طبقه‌بندی شده است. در این مرحله تلاش شده است میان متن مستقیم آیه یا روایت و برداشت تحلیلی پژوهشگر تفاوت گذاشته شود تا فرایند تحلیل از دقت بیشتری برخوردار باشد.

برای بررسی منابع تفسیری و اخلاقی نیز از فرم مطالعه و فیش‌برداری استفاده شده است. در این فرم، نام منبع، مشخصات نویسنده، موضوع مورد بررسی، دیدگاه مطرح‌شده، نکات مرتبط با تکبر و محل دقیق مطلب ثبت شده است. فیش‌برداری علمی یکی از روش‌های مناسب برای سامان‌دهی

اطلاعات حاصل از مطالعه منابع و جلوگیری از پراکندگی داده‌ها در پژوهش‌های کتابخانه‌ای است (خاکی، ۱۳۹۷). این شیوه به پژوهشگر کمک می‌کند مطالب مرتبط با موضوع را از منابع مختلف استخراج کرده و در مرحله تحلیل به صورت منظم مورد استفاده قرار دهد.

در بخش مطالعات انگلیسی نیز مقالات و کتاب‌های علمی مرتبط با مفاهیمی مانند خودبزرگ‌بینی، خودشیفتگی، عزت‌نفس و روابط بین‌فردی بررسی شده‌اند. اطلاعات مربوط به هر منبع در فرم استخراج داده‌ها ثبت شده و سپس بر اساس میزان ارتباط با موضوع پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش‌های کیفی، ابزار استخراج داده‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که پژوهشگر بتواند اطلاعات مرتبط را از متون شناسایی، دسته‌بندی و برای تحلیل نهایی آماده کند.(Creswell & Poth, 2018)

به منظور افزایش دقت ابزار پژوهش، اطلاعات استخراج‌شده چندین بار مورد بازبینی قرار گرفته و موارد تکراری یا فاقد ارتباط مستقیم با موضوع حذف شده‌اند. همچنین برای افزایش اعتبار داده‌ها، مفاهیم استخراج‌شده از منابع مختلف با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در نهایت، داده‌های ثبت‌شده در فرم استخراج اطلاعات بر اساس محورهای اصلی پژوهش، یعنی مفهوم تکبر، ریشه‌ها و عوامل، مصادیق قرآنی، دیدگاه روایات، آثار و پیامدها و راهکارهای مقابله با تکبر، سازمان‌دهی و برای تحلیل نهایی آماده شده‌اند. این فرایند موجب شده است ابزار پژوهش با اهداف و پرسش‌های اصلی تحقیق هماهنگ باشد و اطلاعات گردآوری‌شده قابلیت استفاده در تحلیل توصیفی و محتوایی را داشته باشند.

محدودیت ها و چالش ها

پژوهش درباره تکبر از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) با وجود اهمیت موضوع، با محدودیت‌ها و چالش‌هایی همراه است که توجه به آنها برای تفسیر دقیق یافته‌ها ضروری است. نخستین محدودیت، گستردگی و چندلایه بودن مفهوم تکبر در منابع اسلامی است. تکبر در آیات و روایات گاهی در ارتباط با مفاهیمی مانند استکبار، غرور، عُجب، خودپسندی و برتری‌جویی مطرح شده است و مرزبندی دقیق میان این مفاهیم همیشه ساده نیست. از این رو، پژوهشگر باید هنگام تحلیل متون، از یکسان دانستن مفاهیم نزدیک به یکدیگر پرهیز کند و معنای هر مفهوم را با توجه به بافت آیه یا روایت بررسی نماید. در پژوهش‌های کیفی نیز تفسیر داده‌های متنی می‌تواند تحت تأثیر چارچوب مفهومی پژوهشگر قرار گیرد و نیازمند دقت و بازبینی مستمر است.(Creswell & Poth, 2018)

محدودیت دیگر، تفاوت میان زبان و فضای تاریخی متون دینی با شرایط زندگی معاصر است. بسیاری از آیات و روایات در زمینه‌های تاریخی و اجتماعی خاصی بیان شده‌اند و انتقال مستقیم آنها به شرایط امروز بدون توجه به زمینه اصلی می‌تواند موجب برداشت ناقص شود. برای مثال، نمونه‌هایی از تکبر در قرآن کریم در ارتباط با شخصیت‌هایی مانند ابلیس، فرعون و قارون مطرح شده‌اند که هرکدام شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارند. بنابراین، استفاده از این نمونه‌ها برای تحلیل رفتار انسان معاصر نیازمند تفسیر و تطبیق محتاطانه است و نباید بدون توجه به تفاوت‌های زمانی و اجتماعی انجام شود (طباطبایی، ۱۳۷۴).

چالش دیگر، تنوع منابع روایی و تفاوت در اعتبار و محتوای برخی روایات است. در مطالعات مبتنی بر منابع حدیثی، صرف یافتن یک روایت مرتبط با موضوع برای پذیرش آن به عنوان یک داده قطعی کافی نیست، بلکه لازم است منبع روایت، جایگاه آن در مجموعه حدیثی و دیدگاه دانشمندان درباره اعتبار آن مورد توجه قرار گیرد. این مسئله به‌ویژه در پژوهش‌هایی که قصد دارند از روایات برای استخراج اصول اخلاقی استفاده کنند اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، محدودیت دسترسی به برخی منابع تخصصی حدیثی یا شرح‌های دقیق رجالی و سندی می‌تواند بر دامنه تحلیل روایی پژوهش اثر بگذارد.

از دیگر چالش‌های پژوهش، تفاوت میان برداشت‌های تفسیری درباره برخی آیات مرتبط با تکبر است. مفسران ممکن است با توجه به مبانی تفسیری خود، بر جنبه‌های متفاوتی از یک آیه تأکید کرده باشند. بنابراین، انتخاب یک تفسیر و نادیده گرفتن دیدگاه‌های دیگر می‌تواند تصویر پژوهش را محدود کند. برای کاهش این مشکل، استفاده از چند منبع تفسیری و مقایسه دیدگاه‌ها اهمیت دارد. در روش پژوهش اسنادی، مقایسه منابع و بررسی دیدگاه‌های متفاوت یکی از راه‌های افزایش دقت در تحلیل متون به شمار می‌رود (حافظنیا، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از محدودیت‌ها، دشواری ایجاد ارتباط مستقیم میان مفهوم اخلاقی تکبر در منابع اسلامی و مفاهیم روان‌شناختی جدید مانند خودشیفتگی است. اگرچه میان برخی ویژگی‌های این مفاهیم مانند احساس برتری و خودبزرگ‌بینی شباهت‌هایی وجود دارد، اما این دو مفهوم از نظر مبانی، گستره و هدف یکسان نیستند. در روان‌شناسی، خودشیفتگی به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و الگوهای شخصیتی بررسی می‌شود، در حالی که تکبر در اخلاق اسلامی علاوه بر جنبه رفتاری و شخصیتی، دارای ابعاد اعتقادی و معنوی نیز هست. پژوهش‌های روان‌شناختی نشان داده‌اند که خودبزرگ‌بینی می‌تواند یکی از ابعاد مهم برخی اشکال خودشیفتگی باشد، اما این یافته به معنای یکسان بودن کامل دو مفهوم نیست (Krizan & Herlache, 2018).

محدودیت دیگر به ماهیت کتابخانه‌ای پژوهش مربوط می‌شود. در این تحقیق، اطلاعات از طریق مطالعه و تحلیل اسناد و منابع مکتوب گردآوری شده و داده میدانی از افراد یا گروه‌های اجتماعی جمع‌آوری نشده است. بنابراین، یافته‌های پژوهش بیشتر بیانگر تحلیل محتوای منابع موجود هستند و نمی‌توان آنها را مستقیماً به عنوان گزارشی از میزان تکبر در یک جامعه یا گروه مشخص تلقی کرد. نبود داده‌های میدانی همچنین امکان بررسی تفاوت‌های مربوط به سن، جنسیت، شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد را محدود می‌کند. به همین دلیل، یافته‌های این پژوهش باید در چارچوب روش اسنادی و تحلیلی آن تفسیر شوند.

از نظر اجرایی نیز دسترسی به برخی منابع تخصصی می‌تواند یکی از چالش‌های پژوهش باشد. برخی آثار تفسیری، حدیثی و اخلاقی دارای چاپ‌های متفاوت هستند و ممکن است شماره صفحات یا مشخصات کتاب‌شناختی آنها در نسخه‌های مختلف یکسان نباشد. این مسئله در هنگام ارجاع‌دهی و مقایسه مطالب می‌تواند دشواری‌هایی ایجاد کند. همچنین برخی پژوهش‌های علمی جدید درباره تکبر و خودبزرگ‌بینی به زبان انگلیسی منتشر شده‌اند و استفاده دقیق از آنها نیازمند ترجمه صحیح اصطلاحات تخصصی است. در چنین شرایطی، احتمال تفاوت معنایی میان اصطلاح اصلی و معادل فارسی آن وجود دارد و پژوهشگر باید در انتخاب معادل‌ها دقت کافی داشته باشد.(Braun & Clarke, 2006)

چالش دیگر، پرهیز از نگاه تک‌بعدی به مسئله تکبر است. اگر تکبر صرفاً به عنوان یک صفت اخلاقی فردی بررسی شود، آثار اجتماعی و تربیتی آن نادیده گرفته می‌شود و اگر تنها از دیدگاه روان‌شناختی بررسی شود، ابعاد معنوی و الهی آن در آموزه‌های اسلامی به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این رو، پژوهش حاضر نیازمند ایجاد تعادل میان ابعاد قرآنی، روایی، اخلاقی و اجتماعی موضوع است. تحلیل مضمون می‌تواند در این زمینه به سازمان‌دهی مفاهیم و شناسایی ارتباط میان مضامین مختلف کمک کند، اما نتیجه نهایی همچنان به کیفیت انتخاب و تفسیر منابع وابسته است.(Braun & Clarke, 2006)

در نهایت، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها این است که ارائه راهکار برای مقابله با تکبر نباید صرفاً به توصیه‌های کلی اخلاقی محدود شود. آموزه‌هایی مانند تواضع، خودشناسی، یاد خداوند، پذیرش حق، شکرگزاری و احترام به دیگران زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که ارتباط آنها با ریشه‌های تکبر و شرایط شکل‌گیری آن نیز روشن شود. بنابراین، محدودیت‌های موجود در منابع و ماهیت کتابخانه‌ای پژوهش ایجاب می‌کند که نتایج با احتیاط تفسیر شوند و برای بررسی تجربی تأثیر راهکارهای اخلاقی و تربیتی، پژوهش‌های میدانی و مطالعات میان‌رشته‌ای در آینده نیز مورد توجه قرار گیرند.

یافته ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تکبر در آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین(ع) صرفاً به معنای احساس رضایت از توانایی‌های فردی نیست، بلکه نوعی خودبرتربینی است که در صورت شکل‌گیری می‌تواند انسان را از پذیرش حق و رعایت حقوق دیگران دور کند. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که تکبر دارای ابعاد اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی است و ریشه اصلی آن را می‌توان در برداشت نادرست انسان از جایگاه خویش جست‌وجو کرد. در این نگاه، انسان متکبر توانایی‌ها و امکانات خود را مستقل از خداوند تصور کرده و آنها را دلیلی برای برتری خود نسبت به دیگران می‌داند. این برداشت با تأکید قرآن بر وابستگی انسان به خداوند و محدود بودن توانایی‌های او در تعارض قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴).

یکی از یافته‌های مهم پژوهش، ارتباط مستقیم تکبر با نپذیرفتن حق است. داستان ابلیس در قرآن کریم روشن‌ترین نمونه این موضوع به شمار می‌رود. ابلیس پس از فرمان الهی، با گفتن «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ» خود را برتر از آدم دانست و از فرمان خداوند سرپیچی کرد (قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۲). تحلیل این آیه نشان می‌دهد که تکبر می‌تواند از مقایسه نادرست انسان با دیگران آغاز شود و در نهایت به مخالفت با حقیقت منجر گردد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش آن است که تکبر در منطق قرآن تنها یک رفتار اجتماعی نامطلوب نیست، بلکه می‌تواند مانعی در برابر حق‌پذیری و رشد معنوی انسان باشد.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم میان تکبر و قدرت‌طلبی نیز ارتباط برقرار کرده است. در داستان فرعون، برخورداری از قدرت سیاسی و اجتماعی با روحیه استکبار همراه شد و او از پذیرش دعوت حضرت موسی(ع) خودداری کرد. قرآن کریم فرعون را نمونه‌ای از کسی معرفی می‌کند که به دلیل برخورداری از قدرت، خود را برتر دانسته و به جای پذیرش حق، به سلطه بر مردم روی آورده است (قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۴). از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که قدرت به خودی خود عامل تکبر نیست، بلکه نوع استفاده انسان از قدرت و نگرش او نسبت به آن می‌تواند زمینه خودبزرگ‌بینی و سلطه‌گری را فراهم کند.

بررسی آیات مرتبط با قارون نیز نشان داد که ثروت و امکانات مادی می‌توانند در صورت شکل‌گیری نگرش نادرست، زمینه تکبر را ایجاد کنند. قارون به جای آنکه ثروت خود را نعمتی الهی تلقی کند، آن را حاصل توانایی و شایستگی شخصی خود دانست و در نتیجه گرفتار غرور شد (قرآن کریم، سوره قصص، آیات ۷۶ تا ۸۱). بنابراین، یکی از یافته‌های پژوهش این است که در آموزه‌های قرآنی، عامل اصلی تکبر برخورداری از مال، قدرت یا امکانات نیست؛ بلکه نوع نگاه انسان به این داشته‌ها و تبدیل آنها به ابزار برتری‌جویی است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که تکبر آثار اجتماعی قابل توجهی دارد. در قرآن کریم، انسان از تحقیر و کوچک شمردن دیگران و رفتار همراه با غرور نهی شده است (قرآن کریم، سوره لقمان، آیه ۱۸). این موضوع نشان می‌دهد که تکبر می‌تواند کیفیت روابط انسانی را کاهش دهد و موجب شکل‌گیری فاصله، ناسازگاری و بی‌احترامی میان افراد شود. در آموزه‌های اخلاقی نیز تواضع به عنوان یکی از راه‌های ایجاد روابط سالم و حفظ کرامت انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در نهج‌البلاغه، امام علی(ع) با اشاره به خطر تکبر، انسان را به پرهیز از خودبزرگ‌بینی و توجه به سرانجام متکبران دعوت می‌کند (شریف رضی، ۱۳۷۹).

از دیگر یافته‌های پژوهش، ضرورت تفکیک میان تکبر و عزت نفس است. بر اساس بررسی منابع، انسان می‌تواند توانایی‌ها و ارزش‌های خود را بشناسد، بدون آنکه دیگران را تحقیر کند یا خود را برتر از آنان بداند. در نتیجه، تواضع به معنای ضعف شخصیت یا نادیده گرفتن استعدادهای فردی نیست، بلکه به معنای شناخت صحیح جایگاه خود و پرهیز از برتری‌جویی است. در مطالعات روان‌شناختی نیز میان عزت‌نفس و خودبزرگ‌بینی

تمایز گذاشته شده و نشان داده شده است که برخی ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه با احساس استحقاق و برتری‌طلبی ارتباط دارند (Campbell & Miller, 2011).

یافته‌های پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر تکبر نشان می‌دهد که عواملی مانند ثروت، قدرت، علم، موقعیت اجتماعی، نسب و موفقیت، در صورت همراه شدن با خودبینی و فراموشی وابستگی انسان به خداوند، می‌توانند زمینه‌ساز این صفت شوند. در مقابل، عواملی مانند خودشناسی، یاد خداوند، شکرگزاری، پذیرش خطا، توجه به محدودیت‌های انسانی و احترام به دیگران می‌توانند در کاهش تکبر نقش داشته باشند. این نتیجه با آموزه‌های اخلاقی اسلامی درباره ضرورت تهذیب نفس و تقویت فضایل اخلاقی هماهنگ است (نراقی، ۱۳۸۸).

همچنین یافته‌ها نشان داد که تکبر از دیدگاه روایات معصومین(ع) با ضعف در پذیرش نصیحت و دشواری در اصلاح رفتار ارتباط دارد. فرد متکبر به دلیل تصور برتری ممکن است اشتباه خود را نپذیرد و دیدگاه دیگران را کم‌ارزش تلقی کند. امام علی(ع) در سخنان خود، تکبر را از عواملی می‌داند که می‌تواند انسان را از مسیر رشد اخلاقی دور سازد و بر اهمیت فروتنی در برابر حق و مردم تأکید دارد (شریف رضی، ۱۳۷۹).

از نظر مطالعات معاصر نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه می‌توانند با مشکلات بین‌فردی همراه باشند. پژوهش‌های روان‌شناختی درباره خودشیفتگی نشان داده‌اند که خودبزرگ‌بینی، احساس استحقاق و نیاز به برجسته بودن از جمله ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند بر روابط اجتماعی فرد تأثیر بگذارند .(Krizan & Herlache, 2018) همچنین بررسی‌های مربوط به خودشیفتگی نشان داده‌اند که خودمحوری و حساسیت نسبت به ارزیابی دیگران می‌تواند بر کیفیت روابط بین‌فردی اثرگذار باشد.(Morf & Rhodewalt, 2001)

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تکبر در دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین(ع) یک صفت چندبعدی است که از خودبرتربینی آغاز می‌شود و می‌تواند در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی پیامدهای منفی ایجاد کند. مهم‌ترین مصادیق آن در قرآن در قالب سرگذشت ابلیس، فرعون و قارون قابل مشاهده است و مهم‌ترین راه مقابله با آن نیز تقویت تواضع، خودشناسی، حق‌پذیری، شکرگزاری و رعایت کرامت دیگران است. بنابراین، مقابله با تکبر در آموزه‌های اسلامی تنها به اصلاح رفتار ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند اصلاح نگرش انسان نسبت به خداوند، خویشتن و دیگران است.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، برای پیشگیری و کاهش تکبر و تقویت روحیه تواضع می‌توان مجموعه‌ای از راهکارهای فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی را مورد توجه قرار داد. این پیشنهادها بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین(ع) و همچنین یافته‌های مطالعات معاصر تنظیم شده‌اند.

نخست، پیشنهاد می‌شود خودشناسی و شناخت جایگاه واقعی انسان به عنوان یکی از محورهای اصلی تربیت اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. انسان با توجه به محدودیت‌های وجودی خود و وابستگی دائمی به خداوند، کمتر در معرض احساس برتری نسبت به دیگران قرار می‌گیرد. تأمل در آیات قرآن درباره آفرینش انسان، ناپایداری دنیا و وابستگی همه نعمت‌ها به خداوند می‌تواند در اصلاح نگرش فرد نسبت به توانایی‌ها و امکانات خود مؤثر باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴).

دوم، آموزش تواضع و احترام به دیگران باید از دوره کودکی و در محیط خانواده آغاز شود. والدین می‌توانند با پرهیز از مقایسه افراطی فرزندان، تحقیر دیگران و تأکید بیش از اندازه بر موفقیت‌های مادی، زمینه شکل‌گیری نگرش متعادل را فراهم کنند. همچنین بهتر است به کودکان آموزش داده شود که موفقیت و توانایی‌های آنان نباید وسیله‌ای برای کوچک شمردن دیگران باشد. این شیوه تربیتی با تأکید آموزه‌های اخلاق اسلامی بر احترام به کرامت انسان‌ها هماهنگ است (نراقی، ۱۳۸۸).

سوم، در محیط‌های آموزشی پیشنهاد می‌شود مفاهیم اخلاقی مانند تواضع، احترام، پذیرش اشتباه، همدلی و حق‌پذیری به صورت عملی آموزش داده شوند. صرف ارائه تعریف تکبر برای تغییر رفتار کافی نیست و دانش‌آموزان باید از طریق فعالیت‌های گروهی، گفت‌وگو، مشارکت و موقعیت‌های تربیتی، پیامدهای رفتار متکبرانه و آثار رفتار متواضعانه را تجربه کنند. پژوهش‌های روان‌شناختی نیز بر اهمیت روابط اجتماعی و تعامل با دیگران در شکل‌گیری و اصلاح الگوهای رفتاری تأکید دارند.(Morf & Rhodewalt, 2001)

چهارم، پیشنهاد می‌شود میان عزت نفس و تکبر تمایز روشنی در برنامه‌های تربیتی و آموزشی ایجاد شود. هدف تربیت اخلاقی نباید کاهش اعتمادبه‌نفس یا نادیده گرفتن توانایی‌های فرد باشد، بلکه باید به فرد آموزش داده شود که توانایی‌های خود را بشناسد و در عین حال برای دیگران نیز ارزش و کرامت قائل باشد. از این نظر، تقویت احساس ارزشمندی سالم در کنار آموزش احترام به دیگران می‌تواند از شکل‌گیری خودبزرگ‌بینی جلوگیری کند. مطالعات مربوط به خودشیفتگی نیز بر تفاوت میان احساس ارزشمندی و ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه تأکید دارند (Campbell & Miller, 2011).

پنجم، پیشنهاد می‌شود استفاده از داستان‌های قرآنی و روایی برای آموزش پیامدهای تکبر افزایش یابد. داستان ابلیس، فرعون و قارون نمونه‌هایی هستند که می‌توان از آنها برای نشان دادن ارتباط میان خودبرتربینی، نپذیرفتن حق، قدرت‌طلبی و سقوط اخلاقی استفاده کرد. در کنار این داستان‌ها، می‌توان رفتار شخصیت‌هایی را که در منابع اسلامی با تواضع و حق‌پذیری شناخته می‌شوند نیز بررسی کرد تا آموزش اخلاقی تنها به بیان پیامدهای منفی تکبر محدود نشود (شریف رضی، ۱۳۷۹).

ششم، پیشنهاد می‌شود در محیط خانواده، مدرسه و جامعه فرهنگ پذیرش اشتباه تقویت شود. یکی از راه‌های مقابله با تکبر آن است که فرد بیاموزد اعتراف به خطا نشانه ضعف نیست، بلکه بخشی از فرایند رشد و اصلاح انسان است. فراهم کردن فضایی که در آن افراد بتوانند بدون ترس از تحقیر، اشتباه خود را بپذیرند و آن را اصلاح کنند، می‌تواند به کاهش خودبرتربینی و افزایش یادگیری کمک کند. از منظر مطالعات مربوط به ویژگی‌های خودبزرگ‌بینانه نیز کاهش وابستگی افراطی به تأیید دیگران و افزایش انعطاف در روابط می‌تواند اهمیت داشته باشد (Krizan & Herlache, 2018).

هفتم، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، موضوع تکبر از جنبه‌های میدانی و تجربی نیز بررسی شود. پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از روش‌های پیمایشی، مصاحبه و مطالعات کیفی، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تکبر را در گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی بررسی کنند. همچنین می‌توان تأثیر برنامه‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های قرآن و روایات را بر افزایش تواضع، همدلی و احترام به دیگران مورد ارزیابی قرار داد. استفاده از روش‌های کیفی برای بررسی تجربه‌ها و نگرش‌های افراد می‌تواند ابعاد عمیق‌تری از این موضوع را آشکار کند (Creswell & Poth, 2018).

نتیجه گیری

در مجموع، بررسی تکبر از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) نشان می‌دهد که این صفت یکی از مهم‌ترین موانع رشد اخلاقی و معنوی انسان است و آثار آن تنها به رفتار فردی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند رابطه انسان با خداوند، خویشتن و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. تکبر در نگاه اسلامی به معنای احساس برتری نادرست نسبت به دیگران و خود را بزرگ‌تر از جایگاه واقعی خویش دانستن است. بنابراین، صرف برخورداری از علم، ثروت، قدرت، موقعیت اجتماعی یا توانایی‌های فردی، تکبر محسوب نمی‌شود؛ بلکه زمانی این امور به رذیلت تبدیل می‌شوند که انسان آنها را دلیل برتری ذاتی خود بداند و به واسطه آنها دیگران را کوچک بشمارد.

آیات قرآن کریم نشان می‌دهند که تکبر می‌تواند انسان را از پذیرش حق دور کند. داستان ابلیس نمونه روشنی از این مسئله است؛ زیرا او به دلیل خودبرتربینی و مقایسه نادرست خود با آدم، از فرمان الهی سرپیچی کرد. همچنین در سرگذشت فرعون و قارون، ارتباط میان قدرت و ثروت با غرور و خودبزرگ‌بینی به تصویر کشیده شده است. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که ریشه اصلی تکبر، نه در داشتن امکانات، بلکه در نوع نگرش انسان نسبت به آنهاست. فردی که نعمت‌های خود را مستقل از خداوند و نشانه برتری خویش بداند، ممکن است به تدریج از تواضع، شکرگزاری و حق‌پذیری فاصله بگیرد.

روایات معصومین(ع) نیز تکبر را از صفات ناپسند و خطرناک معرفی کرده و در مقابل، تواضع را یکی از نشانه‌های رشد شخصیت و کمال اخلاقی دانسته‌اند. آموزه‌های امام علی(ع) درباره خطر خودبزرگ‌بینی و سرگذشت متکبران نشان می‌دهد که انسان باید همواره جایگاه واقعی خود را بشناسد و اجازه ندهد مال، علم، قدرت یا موقعیت اجتماعی موجب تحقیر دیگران شود. از این منظر، تواضع به معنای نادیده گرفتن توانایی‌های انسان یا پذیرش ضعف نیست، بلکه به معنای شناخت درست توانایی‌های خویش همراه با احترام به ارزش و کرامت دیگران است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که تکبر آثار اجتماعی قابل توجهی دارد. فرد متکبر ممکن است در برابر انتقاد مقاومت کند، اشتباهات خود را نپذیرد، دیدگاه دیگران را کم‌ارزش بداند و در روابط اجتماعی به تحقیر یا فاصله گرفتن از دیگران گرایش پیدا کند. در مقابل، تواضع زمینه پذیرش حق، یادگیری، همدلی، همکاری و برقراری روابط سالم را فراهم می‌کند. از این رو، مقابله با تکبر تنها یک وظیفه فردی نیست، بلکه می‌تواند در بهبود روابط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی نیز نقش داشته باشد.

در این میان، توجه به تفاوت میان عزت نفس و تکبر اهمیت زیادی دارد. انسان از دیدگاه اسلامی می‌تواند توانایی‌های خود را بشناسد و از موفقیت‌های خود آگاه باشد، اما نباید این توانایی‌ها را وسیله‌ای برای برتری‌جویی قرار دهد. عزت نفس سالم با شناخت ارزشمندی خویش همراه است، در حالی که تکبر با تحقیر دیگران و احساس برتری نسبت به آنان ارتباط دارد. بنابراین، تربیت اخلاقی باید به گونه‌ای باشد که از یک سو اعتمادبه‌نفس و احساس ارزشمندی افراد را تقویت کند و از سوی دیگر، روحیه تواضع، احترام و حق‌پذیری را در آنان پرورش دهد.

در نهایت می‌توان گفت که مهم‌ترین راه مقابله با تکبر، اصلاح نگرش انسان نسبت به خداوند، خویشتن و دیگران است. خودشناسی، توجه به وابستگی انسان به خداوند، شکرگزاری، پذیرش خطا، حق‌پذیری، احترام به دیگران و تمرین تواضع از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند زمینه کاهش این صفت را فراهم کنند. آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین(ع) نشان می‌دهند که انسان هر اندازه در شناخت حقیقت خویش و عظمت خداوند عمیق‌تر شود، زمینه کمتری برای خودبزرگ‌بینی خواهد داشت. بنابراین، مبارزه با تکبر را باید بخشی از فرایند تهذیب نفس و تربیت اخلاقی انسان دانست؛ فرایندی که نتیجه آن می‌تواند رشد معنوی فرد، اصلاح روابط اجتماعی و تقویت فرهنگ احترام، فروتنی و کرامت انسانی باشد.

منابع فارسی

- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، صفحات ۱۲۰ تا ۱۲۵، ۱۳۷۷، دانشگاه تهران.
- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، صفحات ۱۲۴ تا ۱۳۲، ۱۳۸۹، انتشارات صبا.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، صفحات ۵۴۰ تا ۵۴۵، ۱۳۷۹، انتشارات هجرت.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۸، صفحات ۱۷۰ تا ۱۸۵، ۱۳۷۴، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۷، صفحات ۲۵۰ تا ۲۶۰، ۱۳۷۲، انتشارات ناصرخسرو.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، جلد ۶، صفحات ۲۱۱ تا ۲۵۲، ۱۳۸۵، انتشارات محبین .
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد ۲، صفحات ۳۰۷ تا ۳۱۵، ۱۴۰۷ق، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۷۰، صفحات ۲۲۵ تا ۲۴۰، ۱۴۰۳ق، دار إحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۲، صفحات ۵۷ تا ۱۲۳، ۱۳۷۷، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب .
- نراقی، احمد، معراج السعاده، صفحات ۲۸۷ تا ۲۹۸، ۱۳۸۸، انتشارات جمال .

منابع انگلیسی

- Campbell, W. Keith, & Miller, Joshua D., The Handbook of Narcissism and Narcissistic Personality Disorder, pp. 1–528, 2011, John Wiley & Sons.
- Krizan, Zlatan, & Herlache, Anne D., “The Narcissism Spectrum Model: A Synthetic View of Narcissistic Personality”, pp. 3–31, 2018, Personality and Social Psychology Review.
- Morf, Carolyn C., & Rhodewalt, Frederick, “Unraveling the Paradoxes of Narcissism: A Dynamic Self-Regulatory Processing Model”, pp. 177–196, 2001, Psychological Inquiry.
- Pincus, Aaron L., & Lukowitsky, Mark R., “Pathological Narcissism and Narcissistic Personality Disorder”, pp. 421–446, 2010, Annual Review of Clinical Psychology.
- Rauthmann, John F., “The Dark Triad and Interpersonal Behavior”, pp. 1–20, 2012, Personality and Individual Differences.
- Tracy, Jessica L., Cheng, Joey T., Martens, Richard W., & Robins, Richard W., “The Emotional Dynamics of Narcissism”, pp. 67–90, 2011, John Wiley & Sons.